



عنوان مقاله: نقش زیر بنای تربیت در سبک زندگی مطلوب از

منظر امام جعفر صادق علیه السلام

نویسنده: نجمه میریان، دانش آموزخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد فسا. www.najmeh.mirian@gmail.com

استاد راهنما: دکتر محسن زارعی جلیانی، استادیار گروه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون. www.mohzareei@yahoo.com

سپاس گزاری: به جا است که از دوست عزیز و گران قدرم سرکار خانم مریم ایزدخواه و استاد

ارجمندم جناب آقای دکتر علی رضا مختاری که با این جانب در گردآوری و نگارش این مقاله همکاری

نموده اند، کمال تقدیر و تشکر را به عمل آورم.



نقش زیر بنای تربیت در سبک زندگی مطلوب از منظر امام جعفر

صادق علیه السلام

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، در صدد به تصویر کشیدن دو مقوله‌ی تربیت و زیربنای آن از منظر امام صادق علیه‌السلام و تأثیر نقش آن در سبک زندگی مطلوب است. تربیتی که به مثابه‌ی درختی است که به تدریج رشد و نمو می‌کند و در دراز مدت پربزرگ و بار می‌شود و به ثمر می‌نشیند. در حقیقت تربیت همان راهی است که همه‌ی وجوه آدمی را مورد توجه قرار می‌دهد و علاوه بر زمینه‌سازی و تهذیب، مایه‌های معرفتی دفن شده در باطن آدمی را بیرون کشیده و باورهای فطری فراموش شده را یاد آوری می‌نماید تا فطرت آدمی را شکوفا سازد. بنابراین انسان برای فراهم ساختن بستر فطرتش و رهنمون ساختن آن به سوی کمال، نیازمند معماری می‌باشد تا بتواند زیربنای وجودش را بسازد. این معمار همان مادری است که به عنوان زمام‌دار و رهبر کودک از دوره‌ی جنینی می‌تواند شالوده‌ی وجودی وی را پی‌ریزی نموده و مؤثرترین عنصر سازنده‌ی خانواده در تربیت محسوب شود. زیرا اوست که با آگاهی و معرفت کافی، می‌تواند روشن‌گر وجدان خاموش درون کودک باشد. کودکی که در پرتو آموزه‌های دینی هم‌چون تفکر و تدبّر در قرآن، می‌تواند گوهر وجودی خویش را کمال داده و نفیس و ارزشمند گرداند. در نتیجه نهال وجودیش در مسیر صحیح رشد و ترقّی قرار گرفته و می‌تواند خود را از انحراف نجات داده و مطلوب خاص و عام گردد.

کلید واژه‌ها: امام صادق علیه‌السلام، خانواده، تربیت، والدین، کودک

۱- مقدمه

انسان که گل سرسبد آفرینش است و در نیکوترین درجه آفریده شده است برای متعالی شدن و شکوفایی استعدادهای نهانی احتیاج به تربیت دارد تا از همان لحظات آغازین زندگی، پرورش جسمی و روحی و آینده و سرنوشت او به درستی رقم بخورد. وی برای این که بتواند انسانی مستقل، اجتماعی، تکامل یافته و دارای صفات و ملکات نیکو گردد، نیاز به یک مربی شایسته و پرهمت دارد تا استعدادها و توانمندی‌های او را به ثمر برساند که این مربی کسی جز والدین نیستند. آن‌ها هستند که موظفند با تمسک جستن به دامان اهل بیت و یاری جستن از تعلیمات آن بزرگواران، گام به گام، کودک را به شاه‌راه ترقّی و تکامل هدایت کنند و یاری‌گر او باشند تا آن جا که بتواند تا حدودی مستقل از آنان پیش رود و در کوره‌ی آزمون زندگی، به صورت فردی با تجربه درآید که شلاق عادات و سنن زشت، روح و ذهنش را مکدر نسازد. در این میان امام صادق علیه‌السلام به علت شرایط خاصی که بر نظام آن زمان حاکم بود، توانستند به عنوان پایه‌گذار دانشگاه تربیت انسان، شاگردان فراوانی را تربیت نمایند و دستورات و تعلیماتی



را از خود برای تمام قرون به جای گذارند. از نظر ایشان کودکی که در خانواده‌ی با ایمان و روشن ضمیر تربیت شده باشد، دارای ارزش والائی است؛ زیرا زندگی انسان بر پایه‌ی تربیت صحیح استوار است و اگر کودکی نیکو تربیت شود؛ بدون تردید می‌تواند فردی صالح و شایسته برای جامعه واقع گردد. بر همین اساس در این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی زیربنای تربیت از منظر امام صادق مورد بررسی قرار گرفته و از منابع دسته اول و آثار مربوط به امام صادق و منابع دسته دوم از منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات منقول از ایشان که در نشریات و سایت‌های اینترنتی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع موجود می‌باشد استفاده گردیده است و این‌گونه به نظر می‌رسد که با توجه به بررسی‌های انجام شده در طول تحقیق مهم‌ترین سؤالاتی که باید به آن پاسخ داده شود این است که زیربنای تربیت از نظر امام چیست؟ در مکتب امام بزرگوار تربیت و زیربنای آن دارای چه جایگاهی می‌باشد؟ مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی در رشد فطرت افراد از منظر آن امام همام کدام است؟

۲- تربیت

تربیت در کتاب‌های لغت از جمله مفردات و قاموس و هم‌چنین در گفته‌های زبان‌شناسان و فرهنگ واژه‌ها، چنین برمی‌آید که «تربیت» مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱- ربأ، یربؤ (فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (فعل ناقص) ۳- رب، یرب (فعل مضاعف). (الخطیب، ۱۴۱۵، ص ۲۳)

اکثر زبان‌شناسان تربیت را از ریشه‌ی «رب، یرب» می‌دانند. به عنوان مثال راغب اصفهانی می‌گوید: تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد، برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۴) و بیضاوی، تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز دانسته است. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰) و اگر تربیت از «ربا، یربو» باشد، معنای رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را با خود به همراه دارد. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: ربا الشيء یربؤ رِبْؤاً و رِبَاءً: زاد و نما. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵)؛ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد.

هم‌چنین پژوهندگان تفسیر نمونه معتقدند که: رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و باید توجه داشت که رب از ماده‌ی «ربب» است، نه «ربو» (یعنی ماده اشتقاق آن مضاعف است و نه ناقص). و به هر روی در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است. (طبرسی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۴).

آن‌چه در تربیت روی می‌دهد همین است، یعنی فراهم کردن زمینه‌های لازم تا به تدریج استعداد‌های انسان شکوفا شود و به فعلیت درآید و به سوی حد نهایی و کمال خود سیر نماید. بنابراین می‌توان تربیت را چنین تعریف کرد: تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن‌که استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).



۲-۱- مفهوم شناسی تربیت

تربیت در اصطلاح تعریف واحدی ندارد، بلکه دانشمندان هر کدام بر اساس دیدگاه خود در باب هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و به طور کلی فلسفه‌ی تربیتی خویش تعریف جامعی از تربیت ارائه داده‌اند. شهید مطهری تربیت را پرورش استعدادهای درونی بالقوه و به فعلیت رساندن آن دانسته است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶). برخی تربیت را پرورش استعدادهای مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است تعریف کرده‌اند. (صانعی، ۱۳۷۵، ص ۱۱). در کتاب فقه تربیتی، تربیت را فرایند کمک و یاری رسانی به متری برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره‌ی زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه‌ی عامل انسان دیگر به منظور دست‌یابی وی به کمال انسانی و شکوفا سازی استعدادهای او با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست، آورده‌اند. (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۸).

تربیت را می‌توان مجموعه روش‌ها و راه‌کارهایی دانست که از آغاز زندگانی انسان، به کار گرفته شده است تا او در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزش‌ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد. همان‌طور که امام صادق علیه السلام فرمودند: *میراثُ الله من عبده المؤمن الوکدُ الصالح...*؛ میراث خداوند به بنده مؤمنش فرزند صالح است. (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۵۶).

به طور کل، تربیت عبارت است از؛ فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان جامعه‌ای مبتنی بر هم‌بستگی و تعاون می‌باشد. تربیت از تحوّل اجتماعی، جدایی‌ناپذیر است و یکی از نیروهای تعیین‌کننده‌ی این تحوّل است. بنابراین، هدف تربیت و روش‌های آن باید به طور دایم با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه که حاصل علم و تجربه است مورد بازنگری قرار گیرد. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان در مجموع تربیت را یک نوع روش رساندن انسان از حالتی به حالت دیگر دانست و آن را یک هنر و مدیریت انسانی، که فرد را برای پذیرش یک سری صفات اخلاقی، دینی و عقلانی آماده می‌سازد. پس در تربیت، مربی یک مهندس حرفه‌ای است که ساختمان روحی و روانی فرد را بر اساس نقشه از قبل طراحی شده به تدریج می‌سازد.

۲-۲- جایگاه و اهمیت و هدف تربیت از دیدگاه امام صادق علیه السلام

از آن‌جا که تربیت، راهی است که همه‌ی وجوه آدمی را مورد توجه قرار می‌دهد و در مسیر تربیت انسان، هیچ وجهی از وجود او را تعطیل نمی‌گذارد و فطریات آدمی را شکوفا ساخته و انسان را در بستر فطرتش به سوی کمال می‌برد و این امر زمانی میسر است که موانع تربیت آدمی رفع و مقتضیات آن فراهم گردد و تربیت آدمی بر اساس شناختی درست از انسان بنا شود و انسان به سوی هدفی سیر نماید که برای آن آفریده شده و آفرینشش بدان می‌خواند و این سیر بر اساس اصولی صحیح و روش‌هایی مناسب سامان یابد، زیرا اگر تربیت آدمی برخلاف ویژگی‌های فطری او باشد و دریافتی درست از انسان و نیازها



و گرایش‌های او در میان نباشد و سیر تربیت انسان بر مبنای اصولی صحیح و روش‌هایی مناسب سامان نیابد، تلاش‌ها و زحمات‌های تربیتی به نتیجه نخواهد رسید و گاه تلاش‌ها و زحمات‌های تربیتی نتایجی غیر تربیتی به بار می‌آورد و آدمیان از سیر به سوی کمال فطری‌شان دور می‌شوند.

بنابراین، روی کردن به تربیت صحیح، پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه‌ی انسانی است و رسالت همه‌ی پیام‌آوران الهی رسالت تربیت انسان‌ها بوده است و این که موانع تربیت فطری را از سر راه آدمیان بردارند و آنان را از اسارت بت و جاهلیت برهانند و غل و زنجیرها را از دست و پای انسان‌ها بگشایند و بستر مناسب سیر آنان به سوی کمال مطلق را فراهم نمایند. قرآن کریم - آخرین کتاب الهی - کتاب تربیت انسان در جهت کمال مطلق است و تمام انبیا و اولیای خود را با این هدف بر بشریت فرستاده است.

امام صادق علیه السلام در خصوص ضرورت تربیت از حضرت علی علیه السلام نقل فرمودند: ای گروه جوانان شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با آداب آموزی و تربیت محافظت نمایید و سرمایه‌ی گران‌بهای دین خویش را با نیروی علم و دانش از دست‌برد ناپاکان و خطرات گوناگون بر کنار نگاه دارید. (وجدانی، ۱۳۷۴، ص ۳۶).

هم‌چنین ایشان از مهم‌ترین اهداف تربیت را عزت‌نفس و تکامل انسان می‌دانند و در احادیثی آن‌ها را شرح می‌دهند. در زمینه‌ی عزت‌نفس می‌فرمایند: لقمان به پسر خود چنین گفت: فرزند عزیز همواره نفس خود را به ادای وظایف شخصی و انجام کارهای خویش الزام کن. و جای خود را در مقابل شدایدی که از ناحیه مردم می‌رسد به صبر و بردباری وادار نما. اگر مایلی در دنیا به بزرگ‌ترین عزت و بزرگواری نایل شوی از مردم قطع طمع کن و به آنان امیدوار مباش. پیامبران و مردمان الهی با قطع امید از مردم به مدارج عالی‌ی خود نایل شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۲۳).

در زمینه‌ی تکامل انسان که از بالاترین اهداف تربیت و از اساسی‌ترین اهداف خلقت محسوب می‌شود، این‌گونه می‌فرمایند: فکر کن در ساختمان میمون و این که بسیاری از اعضایش شبیه انسان است. سر و صورت و کتف و سین، جهاز هاضمه به علاوه هوش به خصوصی دارد که اشارات مربی خود را درک می‌کند. آدمی از این حیوان عبرت بگیرد و بداند که بشر از طینت حیوان ساخته شده است و از جنس اوست به خصوصی با همه شباهتی که بین او و میمون است و اگر خداوند از جهت هوش و عقل و نطق به انسان برتری نمی‌داد، آدمی نیز مانند حیوانات بود. چیزی که میمون را با تمام شباهتی که به انسان دارد از آدمی جدا می‌کند همان نقص عقل و نطق است. وقتی خداوند خیر بنده‌ای را اراده می‌فرماید روح او را پاک و از تیرگی مصون می‌دارد. چنین روح پاک، خوبی‌ها را به خوبی می‌شناسد و بدی‌ها را به انکار و بدی درک می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۱).



بنابراین انسان می تواند به سبب تربیتی فطری به کمالات انسانی دست یابد و یا به عکس، استعدادهای خود را در جهت کمال مطلق بپوشاند و به پایین ترین مراتب خود تنزل نماید و از حقیقت وجود خویش بی بهره ماند و از صورت و سیرت حیوانی سر در آورد و هر گونه شرّ و بدی را جلوه گر شود.

۳- مکتب امام صادق علیه السلام جلوه گاه تربیت اسلامی

هیچ چیز هم چون ملایمت، رحمت، آسان گیری و نرمی، در تربیت دل آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی موثر نیست، زیرا بدین وسیله است که عواطف آدمی تلطیف و تعدیل می شود و کوری ناشی از غلظت و خشونت به بینایی ناشی از لطافت و رقت تبدیل می گردد. از این رو بهترین راه ورود به قلب ها و تربیت انسان ها ایجاد میل و رغبت است که جز بر اساس آیینی ملایم فراهم نمی شود، زیرا راه و رسم های خشن در تربیت، قلب را کور و به دور از بصیرت می گرداند و عواطف انسانی را زایل می سازد. درسیره ی تربیتی پیشوایان دینی، نرمی و بردباری با تربیت آموزان از جایگاه والایی برخوردار است. اولیای خدا تأکید کرده اند که آیین تربیت دینی، آیینی متین و ملایم است و برای تربیت مردمان بر این آیین باید این ویژگی جوهری حفظ شود و برخلاف آن عمل نشود تا نتیجه ی تربیت همان باشد که این آیین می طلبد. خداوند، پروردگار انسان در نظام تکوین است و در نظام تشریح، کار پرورش را به پیامبران و امامان معصوم واگذار کرده است. شروط مربی را در وجود آن ها ایجاد کرده و با برنامه ای جامع و بر اساس فطرت، آنان را برای هدایت و تربیت انسان ها مبعوث کرده است. پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، مسؤولیت تربیت انسان ها را از جانب خداوند بر عهده دارند. کلیه ی کمالات بالقوه ی انسانی و شروط مربی، در وجود آن ها تحقق یافته است و خود هیچ نیازی به تعلیم و تربیت ندارند. بنابراین، بر ماست که با پیروی از قوانین حیات بخش انبیا و معصومان علیهم السلام، جامعه مان را در راستای تعالی و کمال معنوی قرار دهیم.

همان طور که ذکر شد از میان امامان معصوم امام صادق علیه السلام در زمینه ی تربیتی تلاش های فراوانی را انجام دادند. زیرا در زمان ایشان از یک طرف آرا و افکار و عقاید در جنگ بوده و از طرفی شرایط و محیط به نحوی بود که ضرورت ایجاب می کرد امام کوشش خود را در این صحنه و این جبهه قرار دهد. ایشان فرصت را برای تعلیم و تأسیس کانون علمی مناسب دید و به این کار همت گماشت. بغداد که کانون جنبش علمی صدر اسلام است در زمان امام صادق علیه السلام بنا شده است. در اثر تلاش های بی وقفه ی این امام بزرگوار است که می بینیم شیعه، بر سایر فرق، در علوم اسلامی پیش قدم و مؤسس شد و یا لا اقل دوش به دوش دیگران حرکت کرد و در همه ی رشته ها از ادب و تفسیر و ... کتاب ها نوشت و رجال بزرگ تربیت نمود و عالی ترین و نفیس ترین آثار علمی را به جهان تحویل داد. در باب شخصیت آن امام همام علیه السلام تعاریف بسیاری آورده شده است از جمله محمد بن عبد الکریم شهرستانی، که از علمای بزرگ اهل تسنن و صاحب کتاب معروف «الملل و النحل» است



درباره آن حضرت می گوید: او، هم دارای علم و حکمت فراوان و هم دارای زهد و ورع و تقوای کامل بود، بعد می گوید: مدت ها در مدینه بود، شاگردان و شیعیان خود را تعلیم می کرد، و مدتی هم در عراق اقامت کرد و در همه ی عمر متعرض جاه و مقام و ریاست نشد و سرگرم تعلیم و تربیت بود. در آخر کلامش در بیان علت این که امام صادق علیه السلام توجهی به جاه و مقام و ریاست نداشت این طور می گوید: یعنی آن که در دریای معارف غوطه ور است، به خشکی ساحل تن در نمی دهد، و کسی که به قله اعلای حقیقت رسیده نگران پستی و انحطاط نیست. (شهرستانی، بی تا، ص ۱۴۷).

امام صادق علیه السلام با آن همه مقام و بزرگی، در خانه هم چون اعضای خانواده بود. از خصوصیات بارز ایشان در زندگی فردی این است که؛ برای همسر خویش، شوهری مهربان و برای فرزندان، پدری دلسوز بود. در کارها با اعضای خانه مشارکت و همراهی می کرد. در طول مدت حیات مبارکش، کارهای شخصی اش را خودش انجام می داد و اجازه نمی فرمود که همسر یا فرزندان، کارهای ایشان را به عهده گیرند و بار وظایف او بر دوش آنان قرار گیرد. همواره برای به دست آوردن روزی حلال خانواده می کوشید و معتقد بود کار و تلاش برای کسب روزی، مایه حفظ آبروست. که ایشان در این زمینه می فرمایند: *فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - "قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً" كَيْفَ نَفَى أَهْلَنَا قَالَ تَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ تَنْهَوْنَهُمْ (عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ؛ خداوند می فرماید: خود و خانواده تان را از آتش دوزخ حفظ کنید، گفتند: چگونه خانواده مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: به آن چه خدا دوست دارد) امرشان کنید و (از آن چه خدا نمی پسندد) نهی شان نمائید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵ ص ۶۲).*

با توجه به این که امام بزرگوار بر خانه و خانواده و تامین نیازه های آن ها بسیار تأکید دارند در مهم ترین کانون تربیت و پرورش و نهادینه شدن فطرت الهی کودک را خانواده می دانند بنابراین با توجه به آن چه بیان شد می توان خانواده را این گونه تعریف نمود که:

خانواده واحد و هسته کوچک شده ی جامعه انسانی است و بازتاب روابط نیک و بد خانواده در جامعه خود را نشان می دهد، چرا که محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می کند. او از اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر بیشترین تأثیر را می پذیرد زیرا حمایت پدر و مادر خود را تجربه کرده است و همواره دیده است آنان، ضعف های جسمی او را جبران می کنند و تغذیه و پرورش او را از روی مهر و شفقت انجام می دهند. این تجربه ها موجب اطمینان او نسبت به آن ها می شود و این اطمینان باعث تأثیر پذیری فرزند از پدر و مادر می گردد و هم چنین اگر پدر و مادر در این زمان عقاید صحیح را به او بیاموزند و رأفت و مودت و عقلانیت را بر محیط خانه حاکم نمایند، در نتیجه قلب نیالوده ی او آن را می پذیرد و عادات لازم و متناسب با عقاید صحیح را می یابد. همان طور که تاریخ اسلام نشان دهنده ی این مدعا است که مردان بزرگ در دامن مادران فرزانه و حمایت پدران دلسوز بزرگ شده اند و در سایه ی این درختان برومند و سایه گستر بوده که مردان و زنان رشید و فرزندان شایسته تربیت گردیده اند. در



حالی که خانواده‌ی ناآرام و پرکشمکش، پایه‌های تربیت و رشد کودکان را لرزان و فرزندانی ناکارآمد را به جامعه تحویل می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: فرزندان خود را احترام کنید و آن‌ها را خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۹۵).

۴-۱- خانواده زیربنای تربیت از دیدگاه امام صادق علیه السلام

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم‌ترین و عمده‌ترین نقش را در تربیت کودک ایفا می‌نماید و می‌تواند به عنوان آموزشگاهی باشد که کودک در آن لب‌خند، قهر، دوستی، خوش‌خلقی، خودداری، تعامل و تکامل وظیفه‌شناسی و مسؤولیت و اخلاق را می‌آموزد و در واقع نقش اصلی را در شخصیت‌سازی کودک بر عهده دارد و شخصیت هر فرد، همان عادت‌ها و یادگیری‌های آن مجموعه‌ای است که با آن‌ها در ارتباط است. روش‌های تربیتی کودک در جوامع مختلف و زمان‌های متفاوت از تنوع بسیاری برخوردار است. والدین می‌توانند برای کودک خود نقش بهترین معلم و الگو را به عهده داشته باشند.

نقش خانواده در تربیت از همان دوران جنینی آن‌قدر حایز اهمیت بوده است که برای تمام مراحل زندگی افراد در راه رسیدن به کمال نهایی دستورالعمل‌هایی خاصی را ارائه نموده‌اند. همان‌طور که امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا؛ مؤمن همواره خانواده‌ی خود را از دانش و ادب شایسته بهره‌مند می‌سازد تا همه‌ی آنان را وارد بهشت کند. (نوری، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۰۱، ح ۱۳۸۸).

بر والدین واجب است که این فرمایش امام علیه السلام را سرلوحه‌ی کار خویش قرار دهند که می‌فرمایند: دوران کودکی به سه حلقه تقسیم می‌شود: از بدو تولد تا ۲ سالگی، از ۲ سالگی تا ۷ سالگی و از ۷ سالگی تا ۱۱ سالگی، سبک زندگی و عادت‌ها در این دوران پایه‌گذاری می‌شود. هنگامی که کودک به سه سالگی رسید لا اله الا الله را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است). وقتی هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول الله صلی الله علیه وآله را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن‌گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن‌گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش‌شان خواهد آموزد. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۹۳). یا در جایی دیگر می‌فرمایند: عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا؛ کودکان را به دانش ما آموزش دهید که برای آنان سودمند است تا مرگه [و منحرفین] با دیدگاه‌های خود آنان را مغلوب خود نسازند. (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۹۴). یعنی فرزندان را در عنفوان جوانی و بلکه در اوایل ادراک و



رسیدن به حدّ تمییز، احادیثی در آموزش که به شناخت امامان علیهم السلام و پیروی (تشیّع) آنان راه یابند، پیش از آن که مخالفان آن‌ها را بفریبند و به گمراهی خود درآرند چه از آن پس باز گرداندشان از راه دشوار خواهد بود.

در ضمن این سخنان امام صادق علیه السلام در خصوص اهمیت خانواده و نقش تربیتی والدین می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ كَيْفَ لِيُفْلِحَ بِفَلَّاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ؛** با رستگاری مردان با ایمان، خداوند فرزندان و نوادگان آنان را اهل سعادت و رستگاری می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۷۸).

بنابراین خانواده‌ی سالم، نقش اساسی در تربیت درست افراد داشته و بهبود روابط بین فردی اعضای خانواده نیز منجر به ارتقای بهداشت روانی فرزندان می‌شود. شناخت‌ها و به تبع آن رفتارها و نگرش‌های هریک از اعضای خانواده می‌تواند سایر اعضا را تحت تأثیر قرار دهد و متقابلاً از شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای برآمده از آن‌ها متأثر شود.

اگر در ارتباط افراد خانواده با یک‌دیگر نیک بنگریم متوجه می‌شویم که احترام متقابل بین پدر و مادر و ارزش نهادن آن‌ها به یک‌دیگر در مقابل فرزندان، یک تربیت غیر مستقیم را ایجاد می‌کند. در چنین خانواده‌ای است که عزّت و کرامت نفس در فرزندان بالا می‌رود و افراد مسؤولیت‌پذیر، وظیفه شناس و کارشناس به وجود می‌آید.

۴-۲- مادر معمار تربیت

والدین، بر حسب نظام طبیعت، عامل مؤثر به فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادها در نطفه، جنین و وجود طفلند. نطفه‌ها حامل کروموزوم‌ها و کروموزوم‌ها حامل ژن‌ها هستند و ژن‌ها دنیای پیچیده‌ای از استعدادهای ارثی اند که با پیمان مقدس ازدواج و آمیزش دو انسان در مسیر فعلیت قرار می‌گیرند. در این میان نقش کلیدی زنان را، که در حقیقت رهبری کودک را از همان زمان جنینی، بر عهده دارند، نباید از نظر دور داشت، چراکه زنان در این رهبری مسؤولیتی عظیم بر دوش می‌کشند؛ زیرا با القایات خود در افکار و اندیشه‌های کودک و نیز جهت دادن تمایلات و عقاید او، طرز برخوردها، آرزوها، اهداف و جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی آینده او و جامعه را می‌سازند و زمینه را برای اصلاح یا افساد او فراهم می‌نمایند. (اخوی راد، ۱۳۸۴، شماره ۳، ص ۱). همان‌طور که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛** بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. (حر عاملی، ۱۴۲۹، ج ۲۰، ص ۲۴). زنان شایسته، با بر عهده گرفتن نقش مادری که به مراتب مهم‌تر از نقش پدر است اولین پایه‌گذاران شخصیت کودکند محسوب می‌شوند و این مادران هستند که با تقویت حس خودباوری و اعتماد به نفس در فرزندانشان می‌توانند آن‌ها را برای رویارویی با سختی‌های موجود در زندگی مقاوم سازند و با بالابردن روحیه عزّت نفس و توکل بر خدا در آن‌ها بر ناامیدی که گاهی در شرایط سخت به سراغشان می‌آید، پیروز گردند.



همان کسی که ماه‌ها طفل را در رحم با شیره جانش و بعد از تولد، ماه‌ها از مجرای سینه‌اش که کانون عواطف پاک و جایگاه قلب پرمهر اوست پرورش می‌دهد و از آن پس نیز همواره هستی‌اش را برای هستی فرزند دل‌بند خود می‌خواهد. (بهشتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳).

اهمیت این مسأله تا حدی است که در قرآن، آیاتی رابه خود اختصاص داده و ائمه‌ی معصومین نیز روایات فراوانی در این زمینه بیان نموده‌اند. در روایتی این گونه آمده است: **يَا أُمَّ إِسْحَاقَ، لَأَتْرُضِعِيهِ مِنْ تَدْيٍ وَاحِدٍ، وَ أَرْضِعِيهِ مِنْ كَلْبِهِمَا، يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا، وَ الْآخَرُ شَرَابًا؛** ام اسحاق گوید: در حالی که یکی از دو پسر محمد یا اسحاق را شیر می‌دادم امام صادق علیه السلام به من نگریست و فرمود: ای ام اسحاق! فرزندان را از یک پستان شیر مده بلکه از هر دو پستان به او شیر بده یکی از پستان‌ها غذاست و دیگری آب است. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۸۱۹).

روایت فوق گویای این مسأله است که ائمه‌ی معصومین به جزئی‌ترین مباحث فردی و اجتماعی افراد نظر داشته و بر تقویت همه‌جانبه‌ی افراد تأکید نموده‌اند و نهاد خانواده و دامان گرم والدین به خصوص مادران را مهم‌ترین عامل در رشد و تربیت کودکان می‌دانند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: **بِرُّ الرَّجُلِ بَوَالِدِهِ بَرُّهُ بَوَالِدَيْهِ؛** نیکی به فرزند خویش همان نیکی او به پدر و مادر خویش است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۷۳).

همان‌طور که گفته شد مادر نقش رهبری را بر کودک دارد. بنابراین توجه و یا عدم عنایت به رهبری صحیح کودک ممکن است دیدی مثبت یا منفی نسبت به جهان و پدیده‌های آن به کودک بدهد و او را خوش‌بین یا بدبین بار آورد. این بسته به هنر مادر و میزان درک و بینش اوست. هنر مادر این است که هم‌گام با رشد کودک، پیش از ورود به هر مرحله، آن‌گونه که ضروری تأمین نیاز اوست، زیر بازوی او را بگیرد و در هر جا که زمینه را مناسب دید، بذر تربیت را بپاشد تا بتواند فرزندانی نیکو تربیت نمایند. چنان‌که امام علیه السلام می‌فرماید: **أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ؛** فرزندان‌تان را گرامی دارید و نیکو ادب کنید، آمرزیده می‌شوید. (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲).

بنابراین مقام مادری در جامعه بشری مقام بزرگی است، تأثیر آن در اصلاح و سعادت نسل آینده بسیار حایز اهمیت است. فرزند چون از مادر جدا شود انسان تمام عیاری است گویا که کوچک و نرسیده است و چون صدی نود کودک از شیر مادر می‌خورند و از آن نشو و نما می‌کنند تا دو سال از زندگانی خود هم که احساسات و مشاعر آن‌ها تکمیل می‌شود و جنین عقل آن‌ها، در جنبش می‌آید باز از مادر واگرفته می‌شوند و چون پس از دوره‌ی شیر خوردن هم تا سالیان دراز در دامن مادر وزیر سرپرستی او هستند همه هستی آن‌ها از تربیت مادر رنگ می‌پذیرد. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹). امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره نیکی به پدر و مادر سؤال کرد. حضرت فرمود: به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، به پدرت نیکی کن، به پدرت نیکی کن، به



پدرت نیکی کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از پدر نخست توصیه به مادر را ذکر کرد. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ۹۰۱)

همان طور که برای بنا کردن یک ساختمان نیاز به پی و شالوده‌ی محکمی است تا فرو نریزد و با یک اصول خاص و مهندسی از قبل طراحی شده باید اقدام نمود، ساختمان و جودی انسان که از بناهای اساسی در جهان خلقت و زیر نظر عالی‌ترین مهندس دنیا بنا و پی‌ریزی گشته است و با هدف خاصی اقدام به وجود آن شده، توجه دوچندانی را می‌طلبد تا مصداق این بیت شعر نشود:

خشت اول گر نهاد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

در نتیجه، این پی‌ریزی شخصیت نهادی وجود آدمی بعد از خلقتش بر عهده‌ی والدین است و آن‌ها هستند که باید سنگ بنای این ساختمان را درست روی هم چیده تا انسان کاملی تحویل جامعه دهند.

۴- جایگاه تربیت و خانواده از منظر امام صادق علیه اسلام

تربیت و اخلاق یکی از بهترین اصول زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود و امروزه بیش از هر زمان بشر نیازمند آن است. در واقع بسیاری از مشکلات پیش روی انسان ناشی از فقدان اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی افراد جامعه‌ی بشری است. این جاست که خلأی وجود اصول اخلاقی مبتنی بر فطرت بشری به چشم می‌خورد. بنابراین برای رفع این معضل بزرگ جهان امروز، ناگزیر باید به بزرگ‌ترین اساتید و معلمان اخلاق و تربیت، در طول تاریخ مراجعه کرده تا با الگو گرفتن از رفتار و گوش سپردن به گفتارشان بتوانند بر این امر مهم فایق آیند که آنان نیستند جز ائمه و امامان معصوم علیهم السلام. در این میان امام صادق علیه السلام به عنوان شیخ‌الائمه عمر بیشتری نسبت به دیگر امامان پیش از خود، نصیب ایشان گردید و از طرفی به علت فتوری که در دستگاه خلافت رخ داد و امویان و عباسیان سرگرم زد و خورد با یک‌دیگر بودند، فرصتی طلایی برای امام به وجود آورد که بساط افاضه و تعلیم را بگستراند و به تعلیم و تربیت و تأسیس حوزه علمی عظیمی پردازد.

ایشان در امر تربیت تلاش‌های وصف‌ناپذیری را از خود نشان داده‌اند. امام صادق علیه السلام پرچم‌دار بزرگ مکتب اهل‌بیت، در گفته‌ها و رهنمودهای ارزنده و کارگشا، شیوه درست زندگی و راه‌های تعامل انسانی در خانواده را به مسلمانان نشان داده است. در این رهنمون‌ها زن و شوهر نه دو رقیب و دو شریک تجاری، بلکه مایه‌ی انس و کمال و رشد یک‌دیگرند و در سایه هم‌دلی و تعاون و تعامل درست آن دواست که خانواده‌ی خداگونه شکل می‌گیرد.

در مکتب امام تار و پود زندگی انسانی بایستی با رشته‌های عواطف انسانی و عشق و ایثار پیوند خورد و اگر عشق و علاقه دو جانبه میان زوجین نباشد، هیچ قانون بشری و امر و نهی‌های عرفی و حکومتی نمی‌تواند آرامش را در خانه برقرار سازد.

زن و شوهر نسبت به یک‌دیگر حقوق و وظایف متقابلی دارند که اگر آن را به راستی پاس دارند، خانواده‌ای گرم و پر نشاط و پویا و امیدوار را شکل داده و زمینه‌های رشد و تکامل خود و فرزندان،



در آن فراهم می‌شود. و اگر هر یک از آن دو از حدود و مرزهای خود سر پیچی نمایند، در گردش رو به رشد و سلامت این هسته‌ی انسانی وقفه ایجاد شده و ستیز و تیره‌روزی جای به‌روزی و آرامش را بر خواهد کرد.

در حدیث گران‌بهایی از امام صادق علیه السلام این گونه آمده است که: **وَتَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ اخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ وَتَحْسِينُ اسْمِهِ وَالْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ**؛ حق فرزند بر پدر سه چیز است: دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند؛ نام خوبی برایش بگذارد و در تربیت او تلاش فراوان کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۶).

با توجه به حدیث فوق از دیدگاه ایشان بهترین و مناسب‌ترین زمان تربیت فرزندان، دوران کودکی و نوجوانی آن‌ها است و بر پدر و مادر واجب است که فرزند خود را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازند. زیرا در این برهه روح کودک فوق العاده حساس است و مانند دوربین فیلم‌برداری، همه‌ی رفتارها را در خود ضبط می‌کند و به تدریج در دراز مدت آن‌چه را که دیده، انجام می‌دهد. اگر پدر و مادر در این دوره در تربیت فرزند سهل‌انگاری کنند و خود عملاً الگوی تربیتی شایسته‌ای برای کودک‌کان خویش نباشند و تنها به امر و نهی‌های خشک و خالی اکتفا کنند، کودک‌کان بی‌تأثیر از چنین توصیه‌های توخالی، به رفتارها و خلقیات نامطلوب گرایش خواهند یافت.

دومین مسؤولیت والدین از دیدگاه امام علیه السلام ادب‌آموزی کودک می‌باشد. که ایشان از این سخن لقمان بهره می‌گیرند که فرمود: **قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ إِنَّ تَأْدِيبَ صَغِيرًا انْتَفَعَتْ بِهِ كَبِيرًا وَمَنْ عَنَى بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ أَذْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةً فَاتَّخِذْهُ عَادَةً وَإِيَّاكَ وَالْكَسَلَ مِنْهُ وَالطَّلَبَ بَعْضَهُ**؛ اگر در کودکی ادب‌آموزی در بزرگی از آن بهره‌خواهی برد. فرزندم! هر که جوایب ادب و معرفت باشد، در راه آن اهتمام می‌ورزد و هر که در این راه بکوشد برای ادب‌آموزی، خود را به رنج و سختی اندازد، و هر کسی چنین کند، در جستجوی ادب و معرفت شوق و همت والا پیدا می‌کند و چون بدین گونه باشد سود آن را دریابد؛ پس ای فرزند! ادب‌آموزی را پیشه و سیره خود قرار ده و بر حذر باش از سستی و تنبلی در این راه و از این که ادب را بگذاری و در پی چیزی دیگر برآیی. (همان؛ ج ۱۳، ص ۴۱۹).

این حدیث به روشنی گویای این مسؤولیت خطیر بر دوش والدین است که ادب از مهم‌ترین ارکان تربیت محسوب می‌شود و بر آنان واجب است که در این امر از هیچ تلاشی فروگذار نباشند.

سومین نکته در امر تربیت را می‌توان از این کلام امام علیه السلام این گونه نتیجه گرفت که فرموده‌اند: **«دَعْ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَأَخِيرَ فِيهِ»**؛ واگذار فرزندت هفت سال بازی کند. سپس هفت سال او را ملازم خود گردان (یعنی هفت سال تمام او را زیر نظر بگیر و تحت تربیت مستمر و بی‌وقفه خود داشته باش) اگر رستگار شد که چه بهتر و گرنه معلوم می‌شود در او خیری نیست. (کلینی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۴۴۱).



شخصیت کودک کان به مانند درختی است که تربیت در آن به تدریج رشد و نمو می کند و در دراز مدت پربرگ و بار می شود، همانند برگ توتی که تا به ابریشم تبدیل شود، نیازمند فرصت و مهلتی طولانی است، و چون به آن مرحله رسید، وجودش کمال یافته و ارزشمند شده و مطلوب خاص و عام می گردد. بنابراین تربیت کودک مستلزم صبر و بردباری و دقت هشیاری و نظارت مستمری است، که اگر درست انجام شود، ثمری را که در پی دارد آن چنان شیرین و مسرور کننده خواهد بود که پدر و مادر را از همه ی تلاش هایی که در این راه کرده و می کنند، راضی و خشنود می سازد.

۵- آغاز تربیت دینی

از نظر اسلام تربیت از گهواره آغاز می شود و در خانواده شکل می گیرد. مقدمات و پایه گذاری آن از مرحله ی تشکیل جنین و حتی قبل از آن است ولی آنچه که صورت رسمی دارد از لحظه تولد است و با ذکر اذان و اقامه در گوش کودک شروع می شود. شک نیست که تا حدود هفت سالگی اعمال فشار و قدرت مطرح نیست. حتی رفتار مذهبی کودک صورت بازی و سرگرمی دارد. سعی و تلاش والدین در خانواده باید در زمینه ی تکالیف مذهبی بر کودک به گونه ایی باشد که برای خسته کننده و کسالت آور نباشد. لذا در این قسمت به بررسی بعضی از اصول تربیت دینی مورد پرداخته شده است.

۱- آگاهی و معرفت: کودک از ابتدا قادر به درک همه ی مسایل و جوانب مربوط به مذهب نمی باشد و یا از وی این گونه انتظار نمی رود که آنچه را که می گوئیم دریابد ولی باید توجه داشت که به میزان توانایش در دریافت مطالب و فهم مسایل، در حد توانایش، آموزش های لازم را ببیند و به حساب این که او خردسال است و هنوز وقت بسیاری برای متدین شدن دارد، این کار را به تأخیر نیاندازیم.

۲- شور و احساس: از جمله مسایل که از دوره ی طفولیت باید در وجود فرد نهادینه شود شور و احساس و عاطفه و قدرت درک وی نسبت به بعضی رویدادها است. بنابراین طفل را باید کم و بیش با اجتماعات مذهبی آشنا کرد و او را در مراسم های مذهبی، دعا های جمعی، سرودها و در عبادات جمعی مثل نماز جمعه شرکت داد، تا از این طریق هیجانانگیز، شادی ها، اشک ها و آه و ناله ها را ببیند. این امر در برانگیختن عواطف و شور مذهبی طفل مؤثر است.

۳- رفتار و عمل: آنچه بیش از منطق و گفتار در تربیت مؤثر است نقش عمل و رفتاری می باشد که چه در کار مربی و چه در کار کودک نباید آن را نادیده گرفت چرا که از طریق عمل، دل ها متوجه حقیقت ها می شوند و عادات مذهبی پدید می آیند و میل به طاعت و عبادت در فرد شکل می گیرد. (رک: سایت تبیان، تربیت و آموزش دینی کودک، ۱۳۸۲).

۴- آموزش قرآن: آموزش قرآن در دوران کودکی که سنین آموزش وی به شمار می رود از اهمیت زیادی برخوردار است. کودکانی که با قرآن مأنوس شده باشند از لحاظ رفتاری با دیگر کودکان تفاوت های بسیاری دارند. خواندن قرآن و درک مفاهیم آن می تواند رفتارهای نامطلوب انسان را از بین ببرد. علاوه بر آن، آموزش قرآن به فرزندان برای والدین اجر اخروی نیز دارد.



در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هر کس فرزندش را ببوسد خداوند برای او کار نیکی در نامه عملش می‌نویسد و هر کس او را شاد کند، خداوند او را در قیامت شاد می‌گرداند و هر کس او را قرآن یاد بدهد والدینش فراخوانده می‌شوند و دو جامه ارزشمند به آنان می‌پوشانند که از نور آن در جامه صورت‌های بهشتیان، نورانی می‌گردد. (صانعی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳)

۶- مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی از منظر امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام توسط شاگردانش دستورالعمل‌های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمانان آموزش داد و از این رهگذر موفق گردید که مکتب اهل بیت علیهم السلام را به جهان معرفی کند. رهنمودهای راه‌گشای آن بزرگوار در زمینه‌ی فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و... برگ زرینی بر تاریخ شیعه می‌باشد که در این قسمت به بیان مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی از منظر آن امام همام پرداخته خواهد شد.

۶-۱- دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی‌رسد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: لا یكون حسن الخلق الا فی كل ولی و صفی و لا یعلم ما فی حقیقه حسن الخلق الا الله تعالی؛ حسن خلق یافت نمی‌شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آنچه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۹۳).

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می‌فرماید: حُسْنُ الْخُلُقِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ؛ خوی نیک باعث افزایش روزی می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۹۵).

هم‌چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی‌های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بد خلقی تأکید نموده است.

۶-۲- بیدارسازی وجدان‌ها

آموزه‌های الهی نشان می‌دهد که انسان هر چند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی‌شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرتش می‌توان او را نجات داد. این روش را در سیره‌ی امام صادق علیه السلام هم می‌بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می‌خواهد که خود را در موقعیت فرض شده ببیند و بفهمد که فطرتش چه می‌جوید و چه می‌خواهد؟ (نساجی زواره، ۱۳۸۶، ش ۳۱۱، ص ۳۸)



مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ مجادله کنندگان بر من چیره شده‌اند و سرگردانم نموده‌اند. امام فرمود: «ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شنا را هم نداشته باشی. گفت: آری. فرمود: در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری تو را نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است، آن‌جا که فریادرسی نیست، او فریادرس است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۱).

۶-۳- تشویق به تفکر

اساس تمام پیشرفت‌های مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تعمق بوده است. کاربرد آن در نظام فکری اسلام از جایگاه مهمی برخوردار است. و در دین مبین اسلام به کارگیری قدرت تعمق و تفکر به عنوان ابزار مهم معرفت صحیح و هدایت‌گر انسان به سوی پیشرفت و تعالی محسوب می‌شود. همان‌گونه که با تأمل در زندگی انبیا و اولیای الهی درمی‌یابیم که پیامبران، امامان معصوم علیهم السلام و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق علیه السلام فرمود: *كَانَ أَكْثَرَ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَصَلَتَيْنِ التَّفَكُّرَ وَالِإِعْتِبَارَ*؛ بیش‌ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت‌اندوزی بود. (همان، ج ۲۲، ص ۴۳۱).

۷-۱- دانش‌اندوزی

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیت در افراد، تقویت «بنیه‌های علمی» آنان است. ارزش علم و اهمیت آن زمانی مشخص می‌شود که در زندگی انسان‌ها راه پیدا کند و آن را جهت دهد. از منظر امام صادق علیه السلام علم و دانش نوری است که خداوند به قلب و دل هر کس بخواهد، می‌تاباند همان‌طور که ایشان در این زمینه چنان گام برداشته است که برای شیعیان واقعی در این مورد جای عذر باقی نگذاشته است، آن حضرت در معروف‌ترین کلام خود فرمود: *لست احبّ ان اری الشاب منکم الا غادياً فی حالین. اما عالماً او متعلماً فان لم يفعل فرط فان فرط ضیع فان ضیع اثم و ان اثم سکن النار؛ دوست ندارم جوانی از شما را بینم مگر این که در یکی از این دو حالت صبح کند: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلم و آموزنده، پس اگر در هیچ کدام از این دو حالت نبود، کم‌کاری و کوتاهی کرده و در این صورت عمر خود را ضایع نموده و گناه کار است و نتیجه‌ی آن عذاب الهی خواهد بود.* (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۹۸).

۷-۲- استفاده از فرصت‌ها

در زندگی گاهی فرصت‌هایی به دست می‌آید که شخص می‌تواند از آن‌ها به بهترین وجه برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره‌گیرد. آینده‌نگری افراد سبب می‌شود که این فرصت‌های طلایی عاملی برای ارتقای جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد که از دست دادن چنین فرصت‌هایی آثاری هم‌چون غم



و اندوه و پشیمانی برای فرد در بر خواهد داشت. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت، زیرا عادت روزگار سلب فرصت‌ها و رسم زمانه از بین بردن موقعیت‌هاست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸).

۷-۳- ارتباط با نسل جوان

شیوه‌ی رفتاری امام صادق علیه السلام با جوانان و دستورالعمل‌های آن حضرت برای جوانان و نحوه برخورد با آنان بهترین راه کار برای حل مشکلات و معضلات این قشر است. در تربیت اسلامی هدایت و تربیت نسل جوان دارای اهمیت ویژه‌ای است. همان‌طور که می‌دانید نوجوان از قلبی پاک و روحی حسّاس و عاطفی برخوردارند که ارزش دادن به ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها بهترین شیوه‌ی ارتباط با این قشر است. (نساجی‌زاده، ۱۳۸۶، ش ۳۱۱، ص ۳۶). بنابراین امام صادق علیه السلام به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان و جوانان توجه نموده و این چنین می‌فرماید: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ بر تو باد تربیت نوجوان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی‌ها را می‌پذیرند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۰).

۷-۴- تدبّر در قرآن

مهم‌ترین آموزه‌ای که امام جعفر صادق علیه السلام بر آن تأکید دارند «تدبّر در آیات قرآن» است که بر هر فرد مسلمان بنابر ظرفیت وجودیش لازم است تا از معارف، حقایق و آموزه‌های قرآن استفاده کند.

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید: همانا قرآن جایگاه نور هدایت و چراغ شب‌های تار است. پس شخص تیزبین باید در آن دقّت کند و برای بهره‌مندی از پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشیدن مایه زندگانی و حیات قلب انسان بیناست. (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۱)

آن حضرت در جای دیگر در مورد عدم شتاب در قرائت قرآن و توجه به محتوای آیات می‌فرماید: قرآن با سرعت نباید خوانده شود و باید شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه‌ای که در آن نام بهشت برده شده است، گذر کنی آن جا بایست و از خدای عزّوجلّ بهشت را بخواه و چون به آیه‌ای که در آن دوزخ ذکر شده است، گذر کنی، نزد آن نیز توقف کن و از دوزخ به خدا پناه ببر. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۹۳)

آن امام همام هم چنان که مردم را به تدبّر و تعمق در آیات قرآن سفارش می‌کرد، خود نیز در آیات قرآن تدبّر و دقت می‌نمود و در این راه از خداوند منّان توفیق طلب می‌کرد. ایشان وقتی قرآن را در دست می‌گرفتند، قبل از تلاوت به خداوند عرض می‌کردند: خدایا! من شهادت می‌دهم که این قرآن از جانب تو بر پیامبر نازل شده است و کلام توست که بر زبان پیامبر جاری شده است. خدایا نگاه کردنم را



در قرآن عبادت و قرائت را تفکر و فکر کردن را عبرت پذیری قرار بده و نیز قرائت را قرائت بدون تدبیر قرار مده و به من توفیق ده که در آیات قرآن و احکام آن تدبیر کنم به درستی که تو مهربان و رحیم هستی.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۷۴).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده که با بررسی احادیث امام صادق علیه السلام به توصیف زیربنای تربیت از دیدگاه آن امام بزرگوار پرداخته و سپس با تحلیل روایات و اقوال آموزه‌های تربیتی و مراحل تربیت دینی استخراج و ارائه شده است. جامعه‌ی متنی تحقیق شامل کلیه منابع دسته اول و آثار مربوط و متناسب به امام صادق علیه السلام و منابع دسته دوم از منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات از امام صادق علیه السلام است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی مذهبی و پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط با موضوع تحقیق موجود می‌باشد.

نتیجه‌گیری

توجه به تربیت، توجه به حیاتی‌ترین مقوله‌ی انسانی است. زیرا همه‌ی سامان‌ها و نابسامانی‌ها، اصلاح‌ها و فسادها، سعادت‌ها و شقاوت‌ها به نوع تربیت باز می‌گردد و تربیت بستر خوشبختی و بدبختی انسان‌ها و جوامع انسانی است. انسان به سبب تربیت درست، الهی و متخلّق به اخلاق ربّانی می‌شود و به سبب تربیت نادرست، از سیر به سوی حقیقت انسانی خود باز می‌ماند و متخلّق به اخلاق نفسانی می‌گردد. در این میان نقش خانواده در تربیت، از همان دوران جنینی آن‌قدر حایز اهمیت بوده که از دید ائمه پنهان نمانده است. همان‌طور که امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَ الدَّبَّ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا؛ مؤمن همواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره‌مند می‌سازد تا همه آنان را وارد بهشت کند. (نوری، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۰۱، ح ۱۳۸۸۱). بنابراین در مجموع می‌توان مهم‌ترین دستاوردها را این‌گونه یادآوری نمود که:

- ۱- تربیت فراهم کردن رشد حتّی الامکان کامل توانایی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان جامعه‌ای مبتنی بر هم‌بستگی و تعاون می‌باشد.
- ۲- امام صادق علیه السلام به عنوان پرچم‌دار بزرگ مکتب اهل بیت، بهترین شیوه‌ی درست زندگی کردن و مهم‌ترین راه‌های تعامل انسانی در خانواده را به مسلمانان نشان داده است.
- ۳- از منظر امام صادق علیه السلام، نهاد خانواده مهم‌ترین زیربنای تربیت محسوب می‌شود زیرا وجود خانواده‌ی سالم است که می‌تواند نقش اساسی را در تربیت درست افراد ایفا نموده است.
- ۴- امام صادق علیه السلام، مهم‌ترین اهداف تربیت را، عزّت نفس و تکامل انسان می‌داند.



- ۵- این زنان شایسته هستند که با بر عهده گرفتن نقش مادری که به مراتب مهم‌تر از نقش پدر است، می‌توانند به عنوان اولین پایه گذاران شخصیت کودکان محسوب شوند.
- ۶- امام صادق علیه السلام توسط شاگردانش مهم‌ترین و کارآمدترین آموزه‌های تربیتی را بیان نموده‌اند تا با به کارگیری صحیح آن‌ها و از طریق بیدارساختن وجدان‌هایشان بر دانش خود افزوده و با تعقل و تفکر در آیات قرآن که روشنی بخش نهاد خاموششان است بتوانند از فرصت‌های موجود در زندگی به درستی استفاده نموده و به سعادت واقعی راه یابند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷)، الخصال، ترجمه کمره‌ای، تهران، انتشارات کتاب‌چی.
- ۲- _____ (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳- ابن شعبه حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول، قم جامعه مدرسین.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۵- اخوی راد، بتول. (۱۳۸۴). نقش زنان در فرهنگ پذیری کودکان. فصلنامه مباحث بانوان شیعه، قم، مؤسسه شیعه شناسی، شماره ۳، صفحات ۱-۳.
- ۶- اعرافی، علی‌رضا و دیگران. (۱۳۸۷). فقه تربیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۷- بروجردی، حسین. (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- ۸- بهشتی، احمد. (۱۳۸۸). خانواده در قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- ۹- بیضاوی، عمر بن محمد. (۱۴۰۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ۱۱- خطیب، محمد شحات. (۱۴۱۵ق). اصول التریبه الاسلامیه، ریاض، دارالخریجی.
- ۱۲- دلشاد تهرانی مصطفی. (۱۳۸۷) سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴) المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- ۱۴- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (بی‌تا)، الملل و النحل، تخریخ محمد بن فتح اله بدران، قاهره، مکتب الانجلو المصریه.
- ۱۵- صانعی، مهدی. (۱۳۷۵). پژوهشی در تعلیم و تربیت، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اخوان، مشهد.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، انتشارات اسلامی.



۱۷- فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی نهج البلاغه، تهران، موسسه‌ی چاپ و نشر فیض الاسلام.

۱۸- کلینی. محمدین یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دارالکتب اسلامی.

۱۹- مازندرانی، محمدهادی. (۱۴۲۹). فروع کافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.

۲۰- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، دارالتراث العربی.

۲۱- محمدی‌ری شهری، محمد. (۱۳۸۱)، میزان الحکمه، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دارالحدیث.

۲۲- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهل و یکم، تهران، صدرا.

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۴- نساجی‌زاده زارره. (۱۳۸۶)، آموزهای تربیتی از منظر امام صادق علیه السلام، مجله پاسدار اسلام، قم، شماره ۳۱۱، صفحه ۳۶.

۲۵- نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸). مستدرک الوسایل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۲۶- وجدانی، مصطفی. (۱۳۷۴). حدیث تربیت جوان، تهران، انتشارات پیام آزادی.